

مصاحبه با روزنامه شرق

SCO

کانون آرمان شریعتی

SCO1385@Gmail.com



سارا شریعتی

شماره مقاله : ۱۰۰۹

تعداد صفحه : ۷

آفرین بررسی : ۸۷/۰۵

تاریخ تمریر : ۱۳۸۶

www.shandel.org

موضوع : چند پرسش از شریعتی درباره شریعتی

مصاحبه با روزنامه شرق

س : دکتر شریعتی جامعه شناس و مورخ بود و از این دو منظر به دین نگاه می کرد، این نوع نگاه به دین تازگی داشت و باعث چه نتایج و عکس العمل هایی در آن روز جامعه ایران شد، درباره نگاه تاریخی و جامعه شناسانه او به دین توضیح دهید.

ج : رویکرد معمول به دین، اغلب رویکرد الهیاتی، فلسفی و با تکیه بر علوم دینی است. رویکرد علوم انسانی در مطالعه دین، جدید است و به همان اندازه پرمناقشه، و اصولاً مطالعه دین، که مدیریت امر قدسی است، امر مخاطره انگیز است چرا که به گفته هانری دروش، یک جامعه شناس دین فرانسوی، ترجمه و تحقیق در این حوزه، محقق را در خطر اتهام به نسبی کردن کلام مقدس قرار می دهد، و خطا در این حوزه، او را با اتهام توهین به مقدسات مواجه می سازد؛ و در آن زمان، این همان سرنوشت شریعتی در رویکرد تاریخی و جامعه شناختی اش به دین بود. رویکرد تاریخی شریعتی در تحلیل تاریخ اسلام و تکیه اش به منابع مختلف، او را در معرض نقدهای بسیاری قرار داد که به عنوان نمونه استفاده از منابع سنی را مجاز نمی شمردند و یا تحلیل طبقاتی شریعتی از جامعه صدر اسلام، مورد نقدها اگر نگوییم تکفیرهای بسیار قرار گرفت.

س : چه نسبتی میان دین با فرهنگ و جامعه در زمان دکتر شریعتی برقرار بود؟ شما در جایی گفته بودید، این نسبت اعتراضی بود. به اعتقاد شما نگرش جامعه شناسانه و تاریخی شریعتی چه تاثیری در این نسبت داشت؟ منابع فکری دکتر (علمی و مذهبی) در این رویکرد به دین چه بود؟

ج : دین به تعبیر تیلیش، به عنوان "هسته سخت فرهنگ" یا به گفته دورکیم به عنوان "سیمان جامعه"، طبیعتاً موقعیت تعیین کننده و نقش موثری در ساخت فرهنگی و بافت اجتماعی دارد. این موقعیت و این نقش اما به نسبت دوره های تاریخی یک جامعه متفاوت بوده است. از سویی در جوامع مختلف، دین کارکرد دوگانه ای داشته، در جایی و در مقطعی از تاریخ، مرجع مشروعیت بخش وضع موجود بوده است و در دوره ها و جوامع دیگر، کارکردی اعتراضی و مشروعیت زدا داشته است. نوآوری شریعتی، با تکیه به واقعیت جامعه شناسانه دین و نه حقیقت الهی آن، در اشاره به تکثر مذاهب تاریخی و

کارکردهای متفاوت آنها بوده است. نظریه "مذهب علیه مذهب" اشاره به این واقعیت دارد که در طول تاریخ هم چنان که مذهبی در کار مشروعیت بخشی و طبیعی جلوه دادن نظم و نابرابری موجود بوده است، مذهب دیگری نیز در برابر مذهب حاکم وجود داشته و با آن مبارزه کرده است. یک مذهب نقش افیونی و مذهب دیگر نقش اعتراضی ایفا می کرده؛ در نتیجه دین به تعبیر مارکس هم "افیون مردم" و هم "آه مردم ستمدیده" بوده است؛ و البته اغلب به نقل از مارکس، افیون توده‌ها را تکرار می کنند و آه مردم ستمدیده را فراموش! آقای مطهری هم در آن زمان، در مقاله "احیای فکر دینی" به این بحث از قول یک نویسنده عرب اشاره دارند که دین، هم تریاک است و هم حرکت و جنبش، و نتیجه می گیرند که حرکت و جنبش است، کدام دین؟ دینی که پیامبران آوردند. و تریاک است، کدام دین؟ معجونی که ما امروز ساخته ایم.

منابع فکری شریعتی در اینجا هم منابع تاریخی اسلام و هم میراث جامعه شناسانی چون مارکس، دورکیم، گرامشی... بوده است، شریعتی به تبع دورکیم که از "صور بنیانی و صور متاخر دین" سخن می گفت، میان "نهیض و نهاد" تفکیک قائل می شود، و اشاره دارد که دین در صورت یک نهیض، وجهی دینامیک و اعتراضی دارد و در شکل نهاد، متصلب و مشروعیت بخش می شود. او به تبع مارکس از کارکرد دوگانه دین سخن می گوید و به تاسی از گرامشی که معتقد بود، دین بزرگترین اتوپیا است، به نسبت میان دین و اتوپیا می پردازد و در عین حال با تحلیل جامعه شناختی صدر اسلام، میان اسلام طبقاتی قریب و اسلام بردگان تفکیک قائل می شود و بر کارکرد اعتراضی دین تاکید می ورزد.

س: دکتر سروش در جایی، میان جامعه شناس دین و دین دار جامعه شناس تفکیک کرده اند و مرحوم شریعتی را یک دین دار جامعه شناس نامیده و ادامه داده اند که علم چنان است که با دیدگاه های عالم اختلاط پیدا می کند و جدا کردن آنها از یکدیگر همیشه آسان نیست، دکتر شریعتی یک متخصص محض نبود، بلکه یک متخصص متعهد بود. (الف) آیا این تفکیک را قبول دارید (ب) آیا نظر دکتر سروش را درباره مرحوم شریعتی درست می دانید؟ توضیح دهید.

ج: راستش من با این نوع ایدئال - تیپ سازی هایی که ماکس وبر برای شناخت واقعیت پیشنهاد می کرد، چندان میانه ای ندارم. این نمونه سازی ها

در آموزش و سیاست بسیار کارآمد است، در حوزه تفکر اما اغلب تقلیل گراست. اگر شریعتی جامعه شناس است و این اصلی است که در بحثی که شما از دکتر سروش نقل کردید، مفروض گرفته شده است، جامعه شناس دین نیز بود، چرا که یکی از مهم ترین موضوعات کارش دین و تحول میدان دینی بود. در نتیجه نمی توان این دو را در برابر هم قرار داد. جامعه شناس دین می تواند در عین حال دین دار جامعه شناس نیز باشد، مانند بسیاری از جامعه شناسان دین که مومن یا متاله نیز بودند. مهم اینست که در تحلیل جامعه شناختی خود، فاصله لازم را با میدان تحقیق حفظ کند و گرنه صرف تعلق یا عدم تعلق فکری، کار جامعه شناس را بی اعتبار نمی سازد.

و اما در مورد نسبت میان علم و عالم و اینکه شریعتی یک متخصص محض نبود و یک متخصص متعهد بود. این درست است در عین حال می خواهم در خصوص این مفهوم "محض" در دانش علوم انسانی، چند و چون کنم. این "محض" به چه معناست؟ آیا به این معناست که این نوع دانش به دور از منفعت، مصلحت و قدرت است، که البته از نظر من این رویکردی معصومانه با دانش است. برخی از جامعه شناسان به طور مثال، به مشاهده، کلاسه بندی، توصیف و تحلیل داده های اجتماعی بسنده می کنند و کار علمی را بیشتر توصیفی می نامند اما حتی در این صورت نیز نتیجه کارشان در خدمت سیاسی قرار می گیرد که این داده ها را استخدام می کند برای توضیح و توجیه منافع و مواضع خود؛ در نتیجه، تخصص محض مفهومی پُر مناقشه است و حتی دانشمند اگر خود، دانش اش را با سیاست خود پیوند ندهد، دانش اش مسلماً به استخدام سیاست مدار در خواهد آمد.

س: دکتر شریعتی خود استاد این نمونه آرمانی دادن هاست، آیا در این مورد نقدی به شریعتی دارید؟

ج: بله. در آثار شریعتی ما به تیپولوژی های بسیاری بر می خوریم، دوگانه ها و تثلیث های شریعتی معروف اند، دوگانه هایی چون اسلام آری و اسلام نه. تشیع سرخ و تشیع سیاه. ابوذر و سلمان. تمدن و تجدد. فرهنگ و ایدئولوژی... و تثلیث هایی چون زر و زور و تزویر. عرفان، برابری و آزادی. قاسطین و مارقین و ناکثین... اما شرایط ما امروز با شرایطی که شریعتی در آن می زیست، متفاوت است.

اولین اصل روش شناسی دکارت، وضوح و تمایز اندیشه است. این نمونه آرمانی ها، به وضوح و تمایز کمک می کنند اما اشکال در این است که در عین حال

بسیار ساده سازی می کنند و دنیایِ امروزیِ ما به تعبیرِ ادگار مورن، نه با سادگی و وضوح که با پیچیدگی شاخص می شود. از اینروست که امروز بیش از آنکه بحثِ تفکیک‌ها و تمایزات مطرح باشد، بحث بر سرِ ترکیبات و تبدیلات است. این سادگی و وضوحی که میان این دو گانه‌ها موجود است، دو گانه‌های رستگاری بخشی که با انتخابِ یکی، تکلیفات تعیین می شود، راه و چاه را به تو می شناساند و از انحراف، بر خذرت می کند، در جهانِ اجتماعیِ ما دیگر موجود نیست. دنیایی که ما در آن زندگی می کنیم، پیچیده‌تر از این نمونه‌هاست و در نتیجه شاید می‌بایست به جای تکیه بر تفکیک‌ها، به ترکیب‌ها و تبدیل‌ها اندیشید، به اینکه چطور، بر اساس چه مکانیسمی و تحت تاثیر چه عواملی یکی به دیگری تبدیل می شود و یا چگونه این دو با هم ترکیب می شوند یا بر روی هم قرار می گیرند.

س: روش علمی - جامعه‌شناسانه و تاریخی شریعتی با توجه به ضعفِ فاحشِ روشنفکرانِ امروز در داشتنِ بینشِ تاریخی از مسائل، چه درس‌هایی برای روشنفکرانِ امروز دارد؟

ج: مهم‌ترین درسِ روشِ شریعتی در توجهِ وی هم به استاتیک و هم به دینامیسمِ جامعه و صرفِ هم‌زمان این دو است. او امرِ اجتماعی را، به عنوانِ یک واقعیت، موردِ تحلیل قرار می‌دهد اما با رویکردی تاریخی، هم به فرایندِ تاریخیِ تکوین و عواملِ سازنده‌اش توجه دارد (گذشته) و هم به این نکته که واقعیت، یک کانونِ آشفشانیِ فعال است، مُتصلَب نمی‌ماند، تغییر می‌کند و به سمت و سوی می‌کند (آینده). این نگاهِ تاریخی و آینده‌نگر، آینده‌ای که با آرمان و پروژه‌های پیوند خورده، به بینشِ او دینامیسم و غنایی می‌بخشد که اغلب در تحلیل‌ها غایب است.

گرایشِ غالب، امرِ اجتماعی را به تعبیرِ عامیانه، "بی سر و ته"، بررسی می‌کند. گویی واقعیت همچون داده‌ایی بر ما نازل شده است، گویی، نه "محصول" یک فرایندِ تاریخی است و نه می‌تواند "منجر" به یک تحول شود. نگاهِ مسلطِ امروز، نگاهِ آلترناتیو ساز است. یکی می‌آید و جانشینِ دیگری می‌شود، همان نگاهِ علومِ طبیعی، مرگ و تولد. اما حتی در علومِ طبیعی به این واقعیت توجه می‌شود که هر تولدی، تا چه حد محصولِ میراثِ ژنتیک است و تا کجا انسان می‌تواند در این میراثِ دَخل و تصرف کند.

به عنوان مثال در جامعه‌شناسی، برخی، از تکثرِ رویکردها، مِتدِها و مکاتبِ این رشته به این نتیجه رسیدند که ما با بحرانی رو به روییم و این تکثرِ فزاینده، وحدتِ این رشته را با تنشِ جدی روبرو کرده است که می‌رود تا موجودیت‌اش را به خطر اندازد. در واکنش به این وضعیت، برخی از یک جامعه‌شناسی دفاع کردند و تلاش کردند مانیفستی برای این رشته یا یک رسالهٔ جامعه‌شناسیِ عمومی بنویسند. در حالی که این تکثر را ما در رشته‌های دیگر نیز می‌بینیم. مگر انقلابِ علمی، اصولِ اولیهٔ علومِ دقیقه را زیرِ سوال نبرد و مگر در تاریخ، مکتبِ آنال، کلِ تاریخ را با پرسشی جدی مواجه نساخت؟ اما این رشته‌ها هر بار در نتیجهٔ این بحران‌های سازنده، قوی‌تر و غنی‌تر شدند.

مساله در اینست که ما هنوز در درک و صرفِ تکثرِ مشکل داریم. هم به قولِ شما در بینشِ تاریخی ضعیف‌ایم و هم به نظرِ من در توجه به آینده؛ مدام خود را در معرضِ انتخاب قرار می‌دهیم، انتخابی که در آن "محرومیت" هست. به عنوانِ نمونه: دانشِ بومی، دانشِ جهانی، یکی از بومیت دفاع می‌کند و خود را از جهانِ محروم، یکی از جهانییت دفاع می‌کند و از خود محروم. در حالی که اصلِ بحث را باید زیرِ سوال برد. مگر نه اینکه هر جامعه‌شناسی‌ای به نوعی بومی یا به تعبیرِ درست‌اش محلی و ملی است، چون جامعه‌شناس طبیعتاً به جامعهٔ خود می‌اندیشد و در نتیجه جامعه‌شناسی‌اش معطوف به مسائلِ جامعهٔ خودش است؟ جهان‌شناس که نیست، جامعه‌شناس است و جامعهٔ خود را می‌شناسد. در نتیجه هر جامعه‌شناسی‌ای بنا به تعریف، محلی است. در عین حال، جامعه‌شناس در شناختِ جامعهٔ خود، برخی از نظریات‌اش از فیلترِ فرهنگی و تاریخی و دینی جامعه‌اش عبور می‌کند و قابلیتِ استفاده در جوامعِ دیگری را نیز می‌یابد و به این ترتیب نظریه‌اش جهانی می‌شود. بخشی از نظریات‌اش تنها در جامعهٔ خودش کاربرد می‌یابد و بخشی در جوامعِ دیگر نیز. بنابراین دانشی که تولید می‌کند هم دارای وجوه محلی و هم دارای وجوهی جهانی است؛ و اصولاً در شرایطِ امروز ما، در شرایطِ جهانی شدن؛ جهانی شدن که هم از جهان دهکدهٔ کوچکی ساخته و هم به شکلِ تناقض آمیزی، به قطعه قطعه شدنِ جهان نیز منجر شده است، چطور می‌توان با تکیه بر یکی، دیگری را نادیده گرفت.

شریعتی این ویژگی را داشت که از طرفی به تعبیرِ سپهری، با همهٔ افق‌های باز نسبت داشت، به خود، به عنوانِ انسانی در جهان می‌اندیشید، تا آنجا

که می‌نویسد، گاه احساس می‌کنم که با همسایه‌ام، با دوستانم به اندازه هزاران سال نوری فاصله دارم، و از سوئی دیگر، از این واقعیت نیز غافل نبود که او به هر حال ساکن جهان سوم، جوامع اسلامی، ایران استعمار زده، و زاده روستای کوچکی است بر کرانه کویر. او نظریه را وام می‌گرفت و از آن استفاده می‌کرد، اما به شرایط جامعه شناختی تولید نظریه و موقعیت نظریه پرداز نیز توجه می‌کرد.

این صرف هم‌زمان ناهم‌زمانی‌هاست که هنر شریعتی یا به گفته شما، روش اوست. روشی که امروز در تحلیل جهان پیچیده اجتماعی ما، از کاربردش ناگزیریم.